

از فراهنگِ زمان‌ها

[مجموعه‌ای از کلاسیک‌های ۸۰-۹۲]

محسن صلاحی‌راد

www.ketab.ir



۱۳۹۴

می‌دهم پرواز در آبی‌ترین آسمان‌ها

مرغ آتش‌بال آوازی فراهنگِ زمان‌ها

ص ۴۲

سرشناسه	صلاحی‌راد، محسن، ۱۳۶۳ -
عنوان و نام پدیدآور	از فراهنگِ زمان‌ها [شعرهای ۸۰-۹۲]؛ محسن صلاحی‌راد
مشخصات نشر	تهران: افراز، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	۸۸ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۳۲۶-۱۱۴-۳
وضعیت فهرست‌نویسی	فیا
موضوع	شعر فارسی -- قرن ۱۴
زده‌بندی کنگره	۱۳۹۲ ۳۶ نف: ۲۵۴؛ PIR ۸۱۳۲
زده‌بندی دبویی	۸۵۱/۶۲
شماره کتاب‌شناسی ملی	۳۴۰۱۳۲۹



انتشارات افراز

دفتر مرکزی و فروش: فلسطین جنوبی، خیابان وحید نظری، بن بست افشار، پلاک ۱، واحد ۵.

تلفن: ۶۶۴۰۱۵۸۵

مرکز پخش: ۶۶۹۷۷۱۶۶

وبسایت و فروشگاه اینترنتی: www.afrazbook.com

E-mail: info@afrazbook.com

از فراهنگ زمان‌ها

محسن صلاحی‌راد

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۴

طراحی جلد: یاسمین محمدی

آرایش صفحات: یاسمین حسدوری

لینوگرافی / چاپ / صحافی: تزیج / تصویر / یکتا

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۷۰۰۰ تومان

تمام حقوق این اثر برای انتشارات افراز محفوظ است.

هیچ بخشی از این کتاب، بدون اجازه‌ی مکتوب ناشر، قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی

از جمله چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیک، فیلم، نمایش و صدا نیست.

این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

فهرست

۹.....	اشاره.....
۱۳.....	از تغزل تا غزل.....
۱۵.....	عروج طبع.....
۱۷.....	شب بیا.....
۱۸.....	بهار جاویدان.....
۲۰.....	برای بم.....
۲۱.....	رودنامه.....
۲۳.....	غبار حجاب‌ها.....
۲۵.....	غزل خوانی.....
۲۶.....	با من منتهین.....
۲۷.....	دود غم.....
۲۸.....	نشاط خاطر گل.....
۳۱.....	آزرده.....
۳۲.....	شکوه شیر.....
۳۴.....	درودهای بلزد.....
۳۶.....	زخمه‌ی ناشیانه.....
۳۸.....	وقت رود.....
۴۰.....	به جای ساقی‌نامه.....
۴۳.....	به نقش جهان.....
۴۵.....	طور سینا.....
۴۶.....	ستاره باش.....

۴۸	شور گم شده
۵۰	لب ارغوانی
۵۱	تونه
۵۲	برای آیندگان
۵۴	جان آزاد
۵۶	کلام آشنا
۵۸	بهاران
۶۰	در سوگ پفشه‌ها
۶۱	کومنامه
۶۳	مثل ما که ناتمام
۶۵	الهی نار
۶۶	تعجب دیرینه
۶۷	سرخوشانه
۶۸	در سوگ سرو
۶۹	آبه‌های مرگ
۷۰	بان دربال نسیم
۷۱	شکوه گم شده
۷۲	نغمه‌ی آزادی
۷۳	شکنجه‌زار
۷۵	جزیره‌های به‌تنهایی
۷۷	سنجیده
۷۸	دیگر خوانی
۷۹	بدنام عشق
۸۰	تلخیص
۸۱	برای سپیداران تبریز
۸۲	معنی و صورت
۸۳	نوبهار
۸۴	مقام شرف
۸۵	بیا
۸۶	به زاک لکان
۸۷	بس است

اشاره

اوایل سال پیش، این مجموعه را از میان حدود دویست شعر کوتاه و بلند - که از شان نسخه‌ای در دسترس بود و دلم نیامده بود بریزم‌شان دور و به قول محمدعلی بهمنی «به یک شعله بسوزانم‌شان» - انتخاب و گردآوری کردم و حالا که بعد از یک سال دوباره مرورشان می‌کنم می‌بینم چقدر گشاده‌دستی کرده‌ام!... با این حال، دیدم اگر بخواهم با وسواس به حذف شعرها بپردازم آن‌چه باقی می‌ماند به قدری اندک خواهد بود که باید کلاً از خیر انتشار این مجموعه بگذرم! برای همین، دو سه تا را حذف کردم و بقیه را وا گذاشتم تا خوانندگان خود قضاوت کنند. البته از قبل مطمئن‌ام برخی از دوستان شعرشناس، قطعاً با حسن نیت، خواهند گفت کاش وسواس به خرج می‌دادی و این کتاب را اصلاً منتشر نمی‌کردی. پیشاپیش از صداقت و ذوق این دوستان سپاس گزارم و عذرخواه.

شعرها را به سه بخش تقسیم کرده‌ام و در هر بخش شعرها را به ترتیب تاریخی سرایش آن‌ها آورده‌ام:

بخش اول، با نام «از تغزل تا غزل»، شامل بیست و هشت شعر در قالب‌های کلاسیک است. نام این بخش یادگار بخش‌بندی اولیه‌ی این مجموعه است که شعرها را به قالب‌هاشان از هم جدا کرده و پیش از همه غزل‌ها را آورده بودم؛ ولی

در این زمان ترجیح دادم زحمت تشخیص قالب‌ها را به خوانندگان بسپارم. گیرم کسی باشد که اهل شعر باشد و بتواند مثنوی را از غزل تشخیص دهد؛ اگر او از خواندن این شعرها لذتی هرچند کم حاصل کند برای من همین قدر غنیمت است. بنابراین باید اعتراف کنم که نام این بخش بیشتر جنبه‌ی تزئینی دارد. نام‌های دیگری هم بودند که قبلاً روی بخش‌های دیگر گذاشته بودم، مثل «از پیاله تا نسیم» برای دوبیتی‌ها و رباعی‌ها یا «درودهای بدزد» برای قصیده‌ها یا «بازوان شعله‌های ناگهان» که مشخص‌کننده‌ی مثنوی‌ها بود... اما عجلتاً و به پاس مقام ارجمند غزل در ادب فارسی همان «از تغزل تا غزل» را ترجیح دادم.

بخش دوم، با نام «مثل ما که ناتمام»، شامل نه شعر ناتمام است که قرار است همیشه هم ناتمام بمانند. نام این بخش را از خلال یکی از نیمایی‌های چاپ‌شده‌ام در مجموعه‌ی اژ نیل و آفتاب برگرفته‌ام. بخش سوم، با نام «جزیره‌های به تنهایی»، تک‌بیت‌ها و یک مصراع را دربر می‌گیرد.

در مورد حذف تاریخ از پای شعرها: برای کسانی که دوست دارند بدانند این شعرها محصول چه بازه‌ی زمانی و چه گستره‌ی مکانی است عرض می‌کنم که قدیمی‌ترین شعر این مجموعه را در تبریز، اردیبهشت ۱۳۸۰، گفته‌ام و آخرینشان را در تهران، اواخر اسفند ۱۳۹۲، و درواقع از هر سال فقط دو سه کار به این مجموعه اجازه‌ی ورود یافته است؛ به نظرم همیشه هم مهم نیست، چراکه بیشترشان تازه قرار است امسال (۱۳۹۴) و در شهر تهران منتشر شوند. گذشته از این، عمیقاً معتقدم هرگز نباید به تاریخ پای شعرها اعتبار کرد و به شعرها به چشم تاریخ نگریست: «شعر» اساساً نمی‌تواند «تاریخمند» باشد، مگر غرض از خواندن آن چیزی جز التذاذ ادبی باشد. در نظر من، تاریخ قاطعیت بی‌انقطاع مرگ است و گذشته شدن، اما کلامی که شما بخوانید و

بتوانید به آن نام «شعر» بدهید نسیمی است از جریان وقت و زندگی؛ وقتی که هیچ نقطه‌ای خطی را برای رسیدن به نقطه‌ی دیگر دنبال نمی‌کند...

آدمی زاده خوشبختانه بی اندازه گول است و حریص! اگر جز این بود هرگز این همه مدعی شعرسرایی نداشتیم و من هم احتمالاً مشغول کار دیگری بودم که چه بسا عوایدش در نظر دیگران محسوس تر از چند ورق کاغذی بود که از پوست درختان مایه گرفته تا به شکل این کتاب درآید و بخواهد در این میانه دل خواننده‌ای را از آن خود کند و مرا دل خوش به این که او هستی «من» را باور کرده است!

شاید روزی بتوانم به کمک بیماری فراموشی پیش خودم ادعا کنم که این شعر را من گنشتم و نه خیام بزرگ: «خوش باش دمی که زندگانی این است...»

بقیه اش؟ یادم نیست، و شاید هنوز بقیه اش را نسروده باشم!

۲۸ خرداد ۱۳۹۴

تهران، کوچه‌ی کلارا

سپاس‌گزاری

تشکر می‌کنم از: مدیر کوشای انتشارات افراز، خانم اعظم کیان‌افراز، که با دست و دل بازی شرایط انتشار این مجموعه و دو مجموعه‌ی پیشین مرا فراهم کرد؛ شاعر و روزنامه‌نگار و گرافیست گران‌مایه، آقای یاسین محمدی، که طرح جلد‌های بسیار زیبای هر سه مجموعه شعرم حاصل ذوق و حوصله و مهارت کم‌نظیر او است؛ شاعر عزیز، خانم یاسمین حشدری، که رحمت صفحه‌آرایی نهایی این مجموعه را برعهده گرفت؛ شاعر فاضل و مهربان، آقای محمد صنعتکار، که در هر دیدار و مکالمه‌ای مصرا نه مرا به انتشار این مجموعه تشویق کرد؛ و سایر دوستان عزیزم که در شکل‌گیری این مجموعه سهمی داشته‌اند و اگر بیم آن نبود که نامی را در این میان فراموش کنم بر من بود که از تک‌تکشان جداگانه تشکر کنم. زنده باد.